

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان  
دوم اپریل ۲۰۰۹

## خمر وصال

شمس معنا جلوه کرد و سوی ما تابید و رفت  
با محبت ، اشک چشم این و آن پاکید و رفت  
وحدت دین و زبان و جنس و قوم ایجاد کرد  
بر تساوی حقوق مرد و زن بالید و رفت  
بر سلاطین و امیران جفا و زور و زر  
بر همه صیاد عالم ، از قفس تازید و رفت  
کُند و زنجیری به دست و پای او انداختند  
عاقبت با طوق آهن ، روی سنگ خوابید و رفت  
جام زهر از ناقضین نوشید با صد اشتیاق  
تیغ قاتل بوسه کرده سوی شان خندید و رفت  
از وطن مألوف شد ، تا در دیاران غریب  
از فراق بلبل و گل ، در چمن زارید و رفت  
بغض و کین و دشمنی ، میسوخت مغز استخوان  
بر دل زخمی عالم ، مرهمی مالید و رفت  
تاز جهل باغبانان ، غنچه ها خشکیده شد  
ابر فضلش با مودت ، هر طرف بارید و رفت

تاجران دین گشتند ، روح انسانی ما  
از جمالش بهر ما ، روح و روان بخشید و رفت  
چونکه حمل اسلحه ، فرمود بر عالم ، حرام  
جوهر عقل و خرد با علم ، بگذارید و رفت  
تا که رونق می نگیرد ، کاسبی فاسقان  
نظم و قانون بدیعی بر جهان سنجید و رفت  
الفتی ایجاد کرد ، در بین ابنای بشر  
تخم عشق و دوستی ، در سینه ها کارید و رفت  
از گلستان محبت ، غنچه گل بر عاشقان  
رنگ و بوی عشق را در برگ گل پیچید و رفت  
عاشقانش هریکی ، جان بر کف از بهر فدا  
لیک ، خود صد جان برای عاشقان بازید و رفت  
قطره خمر وصالش ریخت ، تا در جام وصل  
با مهارت ، پرده اوهام ما بدرید و رفت  
زیور اعمال از فضلش ، نصیب دوستان  
پیروانش را همه اهل بهاء نامید و رفت  
در دل تاریک « نعمت » کرده روشن ، مشعلی  
شعله عشقش پر پروانه ها سوزید و رفت